

The Role of mediating sense of coherence in relationship styles of attachment with self-regulation

Hamideh Ghaedi far, Mohammad Saied
Abdkhodai, Hamidreza Aghamohammadian
Sherbaf

پذیرش نهایی: ۹۲/۶/۳۱

پذیرش اولیه: ۹۲/۶/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۵

نقش میانجی‌گری احساس انسجام روانی در رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با خودتنظیمی

حمیده قانیدی فر^۱، محمدسعید عبدخدائی^۲،

حمیدرضا آقامحمدیان شرباف^۳

Abstract

The aim of the present study was to investigate the moderator role of sense of coherence in the relationship between attachment style and self-regulation in students. The current study is of descriptive correlational design. The statistical population of this study was 1319 females of the second and third grade students of high school at Kazeroon in 2011-2012 academic years. 255 of them were chosen through relative stratified sampling. Adult attachment questionnaire's hazan & shaver, Self-Regulation Questionnaire, Flensburg's Sense of coherence scale, were used. Data were analyzed using Pearson correlation, one way analysis of variance, Multiple Regression analysis, and path analysis by SPSS 16 and Liseral softwares. The results showed a direct significant relationship between secure attachment style and self-regulation and sense of coherence. Final results showed a significant negative relationship between ambivalent attachment style and sense of coherence and self-regulation.

Keywords: Self-regulation, attachment styles, sense of coherences, student.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی احساس انسجام روانی در رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با خودتنظیمی دانش‌آموزان انجام گرفت. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر پایه‌ی دوم و سوم متوسطه شهرستان کازرون در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ به تعداد ۱۳۱۹ نفر بود، که ۲۵۵ نفر به‌عنوان نمونه، با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده شامل پرسشنامه‌ی سبک دلبستگی هازن و شایور، پرسشنامه‌ی خودتنظیمی و مقیاس تجدید نظر شده‌ی احساس انسجام فلنسبرگ بود. داده‌ها با بهره‌گیری از روش‌های همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک‌راهه، رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر و با استفاده از نرم‌افزار spss ۱۶ و Liseral مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج به‌دست آمده نشان داد که سبک دلبستگی ایمن و خودتنظیمی با میزان احساس انسجام روانی رابطه‌ی مستقیم و معنادار، و سبک دلبستگی دوسوگرا با احساس انسجام روانی و خودتنظیمی رابطه‌ی منفی و معنادار دارند.

کلیدواژه‌ها: خودتنظیمی، سبک‌های دلبستگی، احساس انسجام روانی، دانش‌آموزان.

۱. (نویسنده مسئول)، کارشناس ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه فردوسی مشهد، Ghaedi89@gmail.com

۲. استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳. استاد گروه روان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

* این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد است.



مقدمه

و بالا بردن شرایط خویش می‌باشد (ریدر و ویت، ۲۰۰۶). داشتن ارتباط صریح در خانواده و توانایی مشارکت و همفکری، و درک احساسات و ایده‌ها برای رشد ظرفیت روانی کودک، در تنظیم افکار و عواطف وی ضروری است (خوشابی و ابوحمزه، ۱۳۸۶). بالبی^۷ (۱۹۷۳) معتقد است پیوند عاطفی مادر- کودک نقش بسزایی در خودتنظیم‌گری عاطفی، اجتماعی و رفتاری کودک دارد و رابطه‌ی دلبستگی مادر- کودک مسئول تنظیم تجربه‌های عاطفی و رفتاری کودک است (خانجانی، ۱۳۸۸). اولین بار، بالبی موضوع دلبستگی را برای تبیین ارتباط بین کودک و مراقبان اصلی مطرح نمود. سپس آینسوورث سه سبک دلبستگی کلی را معرفی کرد: ۱. سبک دلبستگی ایمن، ۲. سبک دلبستگی نایمن اجتنابی، ۳. سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا (آینسوورث، بلهر، واترز و وال، ۱۹۷۸). در راستای کارهای بالبی و آینسوورث، نظریه‌ی دلبستگی بزرگسال توسط میکولینسر و شیور و پرگ^۸ (۲۰۰۳) مطرح شد. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که این الگوهای ارتباطی در بزرگسالی، شبیه به سبک‌های دلبستگی کودکی می‌باشد (سعیدیان اصل، خانزاده، حسنی و ادیسی، ۱۳۹۱). بر اساس نظریه‌ی بالبی (۱۹۸۲)، کودک در حالی که رشد می‌کند، تجربیات دلبستگی را به‌وسیله‌ی مدل‌های کاری درونی یا بازنمایی‌هایی که از خود و دیگران دارد، درونی می‌سازد (ارسلان و آری، ۲۰۱۰). از نظر بالبی مدل‌های کاری درونی و الگوهای رفتاری تأثیر پذیرفته از آنها، عناصر اصلی شخصیت هستند (هازن و شیور، ۱۹۸۷). سروف^۹ (۱۹۹۷) به اهمیت نظام دلبستگی در انسجام ابعاد عاطفی، انگیزشی، شناختی و رفتاری تأکید کرده است (غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۹۰).

در سال‌های اخیر توجه نظریه پردازان شناختی و شناختی- اجتماعی، به فرایندهایی معطوف شده است که طی آن خودتنظیمی^۱ درونی می‌شود. آنها به دنبال این هستند که ببینند چگونه کودکان و نوجوانان یاد می‌گیرند تا مستقل از عوامل اجتماعی و با یک روش سازگارانه و خلاق عمل کنند (کرنو، ۱۹۸۹؛ پاریس و نیومن^۲، ۱۹۹۰؛ ویگوتسکی^۳، ۱۹۷۸؛ به نقل از شریفی، ۱۳۸۹). شونکوف و فیلیپس^۴ (۲۰۰۰) خودتنظیمی را به عنوان توانایی کودک در کسب کنترل کارکردهای جسمی، مدیریت هیجان‌ها و حفظ توجه و تمرکز تعریف کرده و معتقدند رشد خودتنظیمی اساس رشد کودکی اولیه بوده و در تمام جنبه‌های رفتار نمایان است (توکل‌ی زاده، ابراهیمی قوام، فرخی و همکاران، ۱۳۹۰). خودتنظیمی، پیامدهای ارزشمندی در فرایندهای شناختی و حتی موفقیت در زندگی دارد. سازگاری و موفقیت در مدرسه مستلزم آن است که دانش‌آموزان به‌گونه‌ای خودتنظیم، شناخت، عواطف یا رفتارهای خود را تقویت کنند تا بدین وسیله بتوانند به اهداف‌شان برسند (شانک و زیمرمن^۵، ۱۹۹۷؛ به‌نقل از شریفی، ۱۳۹۰). به‌طور کلی خودتنظیمی به‌عنوان قابلیت فرد برای تنظیم رفتار بر اساس تغییر شرایط بیرونی و درونی محیط است، که شامل خوداجرایی در کنش‌های ویژه‌ای مانند برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت می‌شود (لموس^۶، ۱۹۹۹). فرد خودنظم‌دهنده به‌عنوان حل‌کننده‌ی فعال مسأله شناخته می‌شود و هدفش بهبود توانایی‌ها و عملکردهایش می‌باشد. افراد خودنظم‌دهنده تکالیف‌شان را با موفقیت به انجام می‌رسانند به دلیل این‌که، تلاش آنها در جهت پر کردن شکاف بین موقعیت فعلی و اهداف می‌باشد (نامی، عنایتی و عاشوری، ۲۰۱۲؛ زبردست، بشارت و حقیقت گو، ۲۰۱۱). به‌طور کلی هدف غایی از تلاش‌های خودتنظیمی، اثبات کردن، تقویت کردن

1. Self-regulation

2. Paris & Newman

3. Vygotsky

4. Shonkoff & Phillips

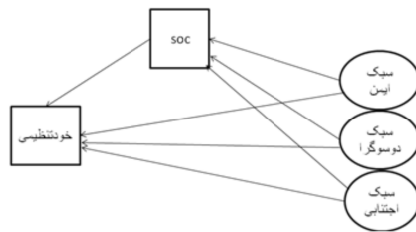
5. Shank & Zimmerman

6. Lemos

7. Bowlby

8. Mikulincer, Shaver & Pereg

9. Sroufe



نمودار ۱. مدل پیشنهادی خودتنظیمی

بنابراین در مدل پیشنهادی، ما به بررسی رابطه‌ی مستقیم و غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی با خودتنظیمی با میانجی‌گری احساس انسجام روانی پرداخته‌ایم. بر این اساس الگوی زیر طراحی و آزمون می‌شود (نمودار ۱).

روش

این پژوهش با توجه به هدف آن از جهت زمینه سازی برای ایجاد خودتنظیمی، کاربردی است و با توجه به عدم مداخله در ایجاد داده‌ها، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش عبارت بود از کلیه‌ی دانش‌آموزان دختر پایه‌ی دوم و سوم مقطع متوسطه دبیرستان‌های دولتی شهرستان کازرون که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ مشغول به تحصیل بودند. برای انتخاب نمونه‌ی معرف و دقیق، با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی و براساس جدول مورگان، ۲۵۵ نفر انتخاب شدند. به‌منظور انجام نمونه‌گیری، از بین دبیرستان‌های دولتی شهرستان کازرون، ۶ دبیرستان به‌طور تصادفی انتخاب شدند و با توجه به جامعه‌ی آماری و نسبت دانش‌آموزان در هر رشته، شرکت‌کنندگان را انتخاب کرده و پس از ارائه‌ی توضیحات کوتاهی در مورد پرسشنامه‌ها و نحوه‌ی تکمیل، با کسب رضایت شفاهی از آنها، پرسشنامه‌های خودتنظیمی، سبک‌های دلبستگی و احساس انسجام روانی در اختیارشان قرار داده می‌شد.

ابزار

۱- پرسشنامه‌ی خودتنظیمی^۳ (SRQ): این پرسشنامه دارای ۶۳ گویه و ۷ خرده‌مقیاس

احساس انسجام روانی^۱ یک جهت‌گیری شخصی به زندگی است که به عنوان منبعی درونی، سلامت جسمی و روانی را تقویت می‌کند. آنتونوسکی^۲ (۱۹۹۳) احساس انسجام روانی را این‌گونه توصیف کرده‌است: "یک جهت‌گیری کلی، یک احساس نافذ، پایدار و پویا از اطمینان به این‌که رویدادهای زندگی که شخص با آن مواجه می‌شود، قابل درک، ساختاریافته و قابل توضیح‌اند، منابعی برای رویارویی با آنها وجود دارد و این رویدادها معنادار و سزاوار درگیر شدن هستند". آنتونوسکی (۱۹۷۹، ۱۹۸۷، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۳، به‌نقل از پلانیت و لائی، ۲۰۰۲) معتقد است که این گرایش کلی به ادراک و احساسات فرد، زندگی را برای او قابل درک، کنترل‌پذیر و پرمعنی می‌سازد. این سه مؤلفه، یک ادراک منسجم شخصی از جهان را تشکیل می‌دهند. از آنجا که احساس انسجام روانی یک جهت‌گیری شخصی به زندگی است که موجب ادراکی منسجم در رابطه با جهان و رویدادهای پیش رو می‌شود، به‌نظر می‌رسد با چگونگی تنظیم جنبه‌های مختلف زندگی توسط فرد، مرتبط باشد؛ چرا که یک فرد خودنظم‌دهنده نیز در صورتی تصمیم بر تنظیم و مدیریت ابعاد مختلف زندگی خویش می‌گیرد که این باور در او شکل گرفته باشد که جهان (درون یا برون) و رویدادهای پیرامون، پیش‌بینی‌پذیر و دارای قابلیت مدیریت و نظم‌بخشی است. از این‌رو می‌توان انتظار داشت، احساس انسجام روانی با خودتنظیم‌گری مرتبط باشد و افرادی که از احساس انسجام قوی برخوردارند در خودتنظیم‌گری زندگی خویش نیز موفق‌تر باشند. تحقیقات انجام شده در زمینه‌ی رابطه بین نحوه‌ی تعامل والدین با خودتنظیمی و ویژگی‌های شخصیتی، بیانگر معناداری این همبستگی می‌باشد؛ با این‌حال در زمینه‌ی همبستگی سبک‌های دلبستگی با خودتنظیم‌گری (به‌طور کلی در همه‌ی ابعاد عاطفی، شناختی و رفتاری)، و نیز احساس انسجام روانی به‌عنوان یک سازه‌ی شخصیتی، با کمبود قابل توجهی از پژوهش‌هایی که به‌طور مستقیم به این مقوله پرداخته باشند، روبرو هستیم.

1. Sense of coherens

2. Antonovsky

3. Self- regulation quastionaire



تحقیقی که توسط پاکدامن (۱۳۸۳) بر روی یک نمونه‌ی ۱۰۰ نفری (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) انجام شده اعتبار آن توسط آزمون- بازآزمون، به ترتیب برای دلبستگی اضطرابی/ دوسوگرا، اجتنابی و ایمن برابر ۰/۷۲، ۰/۵۶ و ۰/۳۷، و میزان آلفای کرونباخ نیز برابر ۰/۷۹ به دست آمد، که میزان اعتبار نسبتاً بالایی را نشان می‌دهد (به نقل از مؤیدفر، آقامحمدیان و طباطبایی، ۱۳۸۶؛ زاهدیان، محمدی و سامانی، ۱۳۹۰).

۳- پرسشنامه‌ی احساس انسجام روانی فلنسبرگ (۲۰۰۶): این پرسشنامه یک آزمون ۳۵ سؤالی است که به صورت ۳ یا ۵ گزینه‌ای است و گزینه‌ها با مقیاس لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند؛ به این صورت که آزمودنی به هر یک از دو گزینه‌ی اول پاسخ دهد، ۳، که بالاترین امتیاز است به وی داده می‌شود و چنانچه به هر یک از دو گزینه‌ی آخر پاسخ دهد، یک، که پایین‌ترین امتیاز است را دریافت می‌کند. حداقل و حداکثر نمره‌ای که آزمودنی از این مقیاس می‌گیرد، به ترتیب ۳۵ و ۱۰۵ خواهد بود. فلنسبرگ (۲۰۰۶) جهت پایایی پرسشنامه، آلفای کرونباخ را در یک پژوهش ۰/۸۷ و در پژوهشی دیگر، ۰/۸۶ گزارش کرده‌است (صبری نظرزاده، ۱۳۹۱).

در این پژوهش داده‌ها با کمک نرم‌افزار ۱۶ Spss و Liseral تحلیل شدند و علاوه بر شاخص‌های توصیفی (از جمله: میانگین و انحراف استاندارد)، آماره‌های ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یک‌راهه و تحلیل مسیر مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته‌های مربوط به آزمون مدل پیشنهادی از طریق تحلیل مسیر ارائه شده‌است. جدول ۱ شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی) را برای کل نمونه بر حسب نمرات خودتنظیمی، احساس انسجام و سبک‌های دلبستگی نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بر اساس ضرایب همبستگی ارائه شده، بین سبک‌های دلبستگی

(پذیرش، ارزیابی، راه اندازی، بازرسی، برنامه ریزی، اجرا و سنجش) است. نمره گذاری آن به صورت درجه‌بندی لیکرت از ۱ تا ۵ می‌باشد که برخی سؤالات به طور معکوس نمره گذاری می‌شود. در این پرسشنامه نمره‌ی بالاتر از ۲۳۹ بیانگر خودتنظیمی بالا، ۲۱۴ تا ۲۳۸ بیانگر خودتنظیمی متوسط و کمتر از ۲۱۳ بیانگر خودتنظیمی پایین می‌باشد. این پرسشنامه در ایران توسط دهقانی نزار (۱۳۹۰) در دانشگاه تهران هنجار شده‌است. پایایی بازآزمایی کل آن، بالا بود (r=.۹۴)، و همسانی درونی این مقیاس نیز کاملاً بالا بود (α=.۹۱).

۲- پرسشنامه‌ی سبک‌های دلبستگی هازن و شیور^۱ (AAQ): این پرسشنامه که ابزار دقیق و بسیار متداولی برای سنجش سبک‌های دلبستگی است (عارف نظری و مظاهری، ۱۳۸۴)، مشتمل بر دو بخش است؛ در بخش اول آزمودنی‌ها بر روی یک پیوستار از نمره‌ی ۱ (کاملاً مخالف) تا ۷ (کاملاً موافق)، وضعیت خود را در رابطه با میزان تطابق با هر توصیف که بیانگر یک سبک دلبستگی است، مشخص می‌کنند. سه سبک اندازه‌گیری شده در این مقیاس عبارتند از: سبک دلبسته ایمن، دوسوگرا و اجتنابی. در بخش دوم، فرد یکی از سه توصیف را به عنوان سبک غالب خود انتخاب می‌کند. بالدوین و فهر (۱۳۸۳) پایایی کلی را برای این مقیاس ۰/۷۶، و نیز مقدار آلفای کرونباخ برای هر کدام از سبک‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۵۷ و ۰/۳۲ گزارش کردند. خوانی زاده و همکاران (۱۳۸۳) نیز در مطالعه‌ی آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۶۴ اعلام کردند (بایرامی، حشمتی، محمدپور و همکاران، ۲۰۱۲). هماهنگی درونی این سه توصیف، در حد بالا نشان دهنده‌ی این است که هر توصیف، توصیفی متفاوت از توصیف دیگر را بررسی می‌کند، چراکه همبستگی دلبستگی ایمن با دلبستگی اجتنابی ۰/۱۰ و با دلبستگی اضطرابی ۰/۵۴ و نیز همبستگی دلبستگی اجتنابی با دلبستگی اضطرابی ۰/۱۴ بود. ثبات آزمون - آزمون مجدد AAQ_۱ برابر ۰/۶۰، و برای AAQ_۲ برابر ۰/۷۰ (معادل همبستگی پیرسون ۰/۴۰) بوده‌است. در

1. Hazan & Shaver

2. Adult attachment questionnaire



جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرها و همبستگی آنها با یکدیگر

ردیف	متغیر	میانگین	انحراف معیار	همبستگی				
				۱	۲	۳	۴	۵
۱	احساس انسجام	۷۳/۹۷	۸/۷۹					
۲	خودتنظیمی	۲۱۲/۴۶	۲۳	۰/۴۵**				
۳	دلبستگی ایمن	۴/۳۱	۲/۰۱۴	۰/۱۷۶**	۰/۱۰			
۴	دلبستگی دوسوگرا	۳/۸۰	۲/۰۷۸	۰/۱۲۹*	۰/۱۵*	۰/۱۴۶*		
۵	دلبستگی اجتنابی	۳/۸۵	۲/۰۱۱	۰/۰۳۶-	۰/۰۲۷-	۰/۰۶۱-	۰/۱۴۲*	۱

جدول ۲. تحلیل واریانس جهت مقایسه‌ی خودتنظیمی و احساس انسجام روانی در سه سبک دلبستگی

منبع تغییر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معناداری
بین گروهی	۳۷۲۸/۷۴۸	۲	۱۸۶۴/۳۷۴	۳/۵۹۳	۰/۰۲۹
درون گروهی	۱۳۰۷۴۲/۵۷۰	۲۵۲	۵۱۸/۸۲۰		
جمع	۱۳۴۴۷۱/۳۱۸	۲۵۴			
بین گروهی	۱۱۷۳/۵۳۸	۲	۵۸۶/۷۶۹	۸/۰۱۴	۰/۰۰۰
درون گروهی	۱۸۴۵۰/۲۱۱	۲۵۲	۷۳/۲۱۵		
جمع	۱۹۶۲۳/۷۴۹	۲۵۴			

تحلیل مسیر حاکی از برازش کلی مدل پیشنهادی است (GFI=۰/۹۹, AGFI=۰/۹۵, RMSEA=۰/۰۶۷, NFI=۰/۹۵, NNFI=۰/۸۵, $\chi^2/df=۲/۱۳$, $df=۲$, $\chi^2=۴/۲۶$).

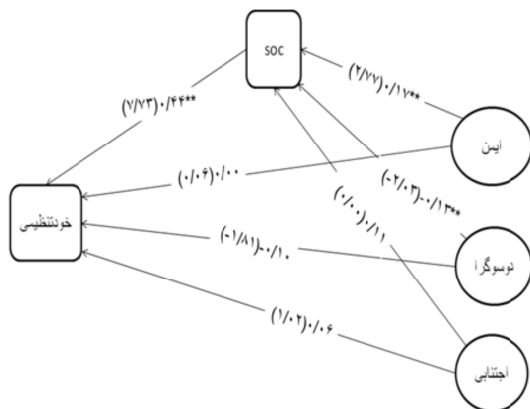
با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده، مدل کلی پیشنهادی خودتنظیمی به خوبی برازش شده است و ساختار کلی روابط مورد آزمون، از طریق داده‌های به‌دست‌آمده تأیید می‌شود. شاخص‌های تولیدی الگوی تحلیل مسیر فقط محدود به شاخص‌های برازش کلی الگو نیست، بلکه پارامترهای استاندارد β و γ (گاما= ضرایب مسیر) و مقادیر t متناظر با آن برای هر یک از مسیرهای علی از متغیرهای برون‌زاد سبک‌های دلبستگی به متغیر میانجی احساس

ایمن و دوسوگرا با احساس انسجام رابطه وجود دارد، همچنین بین سبک دلبستگی دوسوگرا و احساس انسجام با خودتنظیمی نیز رابطه وجود دارد، اما بین سبک دلبستگی اجتنابی با احساس انسجام و خودتنظیمی رابطه‌ی معناداری وجود نداشت.

به منظور بررسی تفاوت میزان خودتنظیمی و احساس انسجام روانی در هر یک از سبک‌های دلبستگی از تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس که در جدول ۲ ارائه شده، مشخص می‌کند که میزان خودتنظیمی و احساس انسجام روانی در هر یک از سبک‌های دلبستگی از تفاوت معناداری برخوردار است. آزمون تعقیبی توکی نیز معناداری این پراکندگی‌ها را تأیید کرد، به‌طوری که بین سبک‌های دلبستگی ایمن با دوسوگرا و اجتنابی در میزان احساس انسجام روانی تفاوت معناداری وجود داشت. همچنین سبک دلبستگی دوسوگرا با ایمن در میزان خودتنظیمی تفاوت معناداری داشتند. در سایر شرایط تفاوت معناداری وجود نداشت.

جهت آزمون الگوی پیشنهادی، یعنی بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی با خودتنظیمی به میانجی‌گری احساس انسجام روانی، از روش تحلیل مسیر استفاده شد (نمودار ۲).

شاخص‌های کلی آزمون نیکویی برازش در مدل



نمودار ۲. مدل برازش شده‌ی رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی با خودتنظیمی به میانجی‌گری احساس انسجام روانی (ضرایب مسیر و شاخص معناداری t- مقادیر داخل پرانتز- با معناداری در سطح ۰/۹۹).



اساس پیشینه‌ی نظری الگویی ارائه گردید و با استفاده از روش تحلیل مسیر مورد آزمون قرار گرفت. نتایج تحلیل مسیر در مورد مدل پیشنهادی با داده‌های این پژوهش برازش خوبی دارد.

نتایج حاصل از تحلیل مسیر نشان داد سبک‌های دلبستگی تأثیر مستقیم و معناداری بر احساس انسجام روانی دارند. این یافته در تأیید نظر آنتونوسکی (۱۹۸۷) و نتایج پژوهش یانگ و همکاران (۲۰۰۷) است. آنتونوسکی (۱۹۸۷) بیان می‌کند که محبت والدین و حمایت دوستان نقش معناداری در تعبیر و نگرش فرد از جهان به‌عنوان قابل درک، قابل اداره و معناداری، دارند. در این رابطه مشخص شد که سبک دلبستگی ایمن با احساس انسجام روانی رابطه‌ی مستقیم و معناداری دارد، و سبک دلبستگی دوسوگرا تأثیر معکوس و معناداری بر احساس انسجام روانی دارد. بر این اساس افرادی که سبک دلبستگی دوسوگرا دارند، احساس انسجام روانی کمتری دارند و افرادی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند، از احساس انسجام بیشتری برخوردارند. بی‌تردید نحوه‌ی تعامل والد-کودک در طی اولین سال‌های زندگی، تأثیرات عمیقی بر شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی دارد. نوزاد از رابطه‌ی گرم و پذیرای والد خود احساس خودارزشی، باور به این‌که چقدر پذیرفتنی و شایسته محبت هستند، و احساس ایمنی و اعتماد نسبت به دنیای بیرون را کسب می‌کند، و این باور درونی در آنها شکل خواهد گرفت که دنیا و افراد پیرامون، قابل اعتماد هستند و در شرایط استرس‌زا می‌توان به آنها به‌عنوان پایگاهی ایمن تکیه کرد. کودکانی که دلبستگی اولیه ایمنی دارند، استعداد بالقوه‌ای برای گشودگی به هر زمینه‌ی جدید و خاصی را دارند. این اشاره دارد بر این‌که این کودکان به احتمال بیشتری تغییر را تجربه می‌کنند و شانس بیشتری برای یادگیری در رابطه با معنا و مدیریت آن دارند (توکر و مکنزی، ۲۰۱۲). این افراد حتی در شرایط ناامیدی هم با خوش‌بینی برخورد می‌کنند و باور دارند که شرایط قابل کنترل هستند (غباری بناب و حدادی کوهسار، ۲۰۱۱)، و می‌توانند به مسائل و موقعیت‌های تنش‌زا به روش‌های سازنده‌تری پاسخ دهند (خوشابی، ۱۳۸۶)؛

انسجام روانی و از متغیر میانجی به متغیر درون‌زاد خودتنظیمی نیز وجود دارد که باید تفسیر شود. این ضرایب و شاخص‌ها، قدرت نسبی هر مسیر را نیز نشان می‌دهد.

ضریب مسیر سبک دلبستگی اجتنابی به انسجام روانی، (۰/۱۱) است، که ضریب مسیر پایینی است. آزمون معناداری t نیز نشان داد که این مسیر به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. ضریب مسیر سبک دلبستگی دوسوگرا به انسجام روانی، (۰/۱۳-) است، که این ضریب منفی است و آزمون معناداری t نیز نشان داد که این مقدار به لحاظ آماری معنادار بود. ضریب مسیر سبک دلبستگی ایمن به انسجام، (۰/۱۷) است که، ضریب مثبت و معناداری است و آزمون معناداری t نیز نشان داد این مقدار به لحاظ آماری معنادار بود. ضریب مسیر از سبک دلبستگی اجتنابی به خودتنظیمی، (۰/۰۶) است که، آزمون معناداری t نیز نشان داد این مقدار به لحاظ آماری معنادار نیست. ضریب مسیر سبک دلبستگی دوسوگرا به خودتنظیمی، (۰/۱۰-) است که، ضریب منفی است، و آزمون معناداری t نیز نشان داد این مقدار به لحاظ آماری معنادار نیست. ضریب مسیر از سبک دلبستگی ایمن به خودتنظیمی، (۰/۰۰) است که، آزمون معناداری t نیز نشان داد این مقدار به لحاظ آماری معنادار نیست. ضریب مسیر غیرمستقیم احساس انسجام روانی به خودتنظیمی، (۰/۴۴) است که، ضریب مثبت و بالایی است، و آزمون معناداری t نیز نشان داد که این مقدار به لحاظ آماری معنادار است.

در مجموع می‌توان گفت مدل کلی پیشنهادی از برازش خوبی برخوردار است. ضرایب مسیر γ تنها در دو مسیر معنادار بود و همچنین ضریب β احساس انسجام روانی به خودتنظیمی معنادار بود. این بدین معنی است که مسیرهای علی مفروض مستقیم الگوی کلی به خوبی تأیید نشدند، اما مسیر غیرمستقیم آن تأیید شد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی رابطه‌ی متغیرهای برونزا (سبک‌های دلبستگی) با متغیر درونزا (خودتنظیمی) به میانجی‌گری احساس انسجام پرداخته‌است. بر



است که افراد برای انجام فرایند خودتنظیمی در ابعاد مختلف زندگی خویش، نیاز به باور و نگرشی دارند مبنی بر این که محرک‌ها و رویدادهای بیرونی یا درونی، قابلیت کنترل و اداره شدن دارند و فرد می‌تواند آنها را به‌گونه‌ای که در نظر دارد، تحت اختیار و کنترل خویش گیرد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند کودکانی که مهارت‌های خودتنظیمی مؤثر را فرا می‌گیرند، نسبت به توانایی خود اطمینان حاصل می‌کنند (برک^۷، ۱۳۹۰)، و با اتکا به توانایی‌های خود و با این باور که شرایط و رویدادها قابل مدیریت و کنترل‌پذیر هستند، در جهت نیل به اهداف خویش به طور فعال به تغییر و سازمان‌دهی آنها می‌پردازند. افراد برای این که بتوانند ابعاد و موقعیت‌های زندگی خویش را به‌طور فعال در اختیار و کنترل خویش درآورند، مستلزم داشتن نگرشی کلی در مورد قابلیت پیش‌بینی و قابلیت مدیریت بودن شرایط و نیز این باور هستند که رویارویی با چنین شرایطی ارزشمند و فرصتی برای یادگیری‌های تازه است.

بنابراین سبک‌های دلبستگی می‌توانند تأثیر غیرمستقیم و معناداری بر خودتنظیمی داشته باشند. با توجه به آنچه هازن و شیور (۱۹۸۷) بیان کرده‌اند، سبک دلبستگی از عوامل اصلی شکل‌گیری شخصیت هستند. از این رو به‌نظر می‌رسد سبک‌های دلبستگی به واسطه‌ی اثر مستقیمی که بر متغیرهای شخصیتی از قبیل احساس انسجام روانی می‌گذارند، قادرند به طور غیرمستقیم فرایندهای خودتنظیمی را تحت تأثیر قرار دهند. این سبک‌ها به‌واسطه‌ی تأثیرات عمیقی که در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی دارند، موجب می‌شوند که این باورهای درونی در افراد شکل گیرد که دنیا و افراد پیرامون قابل اعتماد هستند و در شرایط استرس‌زا می‌توان به آنها به‌عنوان پایگاهی ایمن تکیه کرد و یا برعکس. افرادی که دلبستگی ایمنی دارند، به‌واسطه‌ی روابط گرم و پذیرایی که در تعامل با والد خود تجربه کرده‌اند، نگرش‌ها و باورهای مثبت و خوش‌بینانه‌ای به مسائل زندگی دارند و در شرایط استرس‌زا نیز قادرند به‌طرز کارآمد و

همین امر موجب رشد و ارتقای احساس انسجام روانی در این افراد می‌شود. مطالعات پیشین نیز بیانگر این نکته بودند که احساس انسجام روانی در سطح بالایی با خلق مثبت و خوش‌بینی (از جمله باتمر^۱ و فریدلاند^۲، ۲۰۰۳؛ فروم برگر^۳، استایگلیتز^۴، استراوب^۵ و همکاران، ۱۹۹۹، اوراکاوا و یوکویاما^۶، ۲۰۰۹)، و راهبردهای مقابله با استرس مؤثرتر (گیلبار، ۱۹۹۸؛ باومن، ۱۹۹۶؛ کارلسون و همکاران، ۲۰۰۰، به‌نقل از کویلوماکی و اوتریانن، ۲۰۰۳؛ کوهن و دکل، ۲۰۰۰)، همبسته است.

از سوی دیگر، به‌نظر می‌رسد فرزندانی که دارای والدین طردکننده و بی‌ثباتی بوده‌اند که نسبت به نیازهای آنها، تعامل ناهماهنگی داشته‌اند، نمی‌توانند نسبت به دنیا و مسائل پیرامون خود، باورهای خوش‌بینانه داشته‌باشند و در برخورد با رویدادهای زندگی به توانمندی‌های خود اعتمادی ندارند. این افراد از تجارب خود در تعامل با والدین به این باور رسیده‌اند که دیگران بهتر از خودشان می‌توانند برای آنها تصمیم بگیرند و آنها در رویارویی با مسائل و مقتضیات محیطی نمی‌توانند نقش سازنده‌ای داشته‌باشند؛ از این رو به این شرایط به عنوان چالش‌هایی که فرصت‌های یادگیری بیشتر را فراهم می‌کند، نگاه نمی‌کنند بلکه آنها را به عنوان تهدیدهایی می‌بینند که در پی رهایی از آنها از طریق وابستگی به دیگران هستند؛ در واقع از باورهایی برخوردارند که موجب کاهش احساس انسجام روانی در آنها می‌شود.

احساس انسجام روانی دارای تأثیر مستقیمی نیز بر خودتنظیمی بود؛ به عبارتی هر چه احساس انسجام روانی فرد بالاتر باشد، میزان خودتنظیمی نیز بالاتر خواهد بود. بر اساس مبانی نظری، احساس انسجام روانی به عنوان منبعی درونی موجب می‌شود تا شخص جهان و رویدادهای پیرامون خویش را ساختاریافته، قابل مدیریت و معنادار بداند (آنتونوسکی، ۱۹۸۷)، این در حالی

1. Bothmer

2. Fridlund

3. Frommberger

4. Stieglitz

5. Straub

6. Urakawa & Yokoyama

7. Berk



college students". *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 46: 294 – 298.

Berk, L. E. (2007). "Development through the lifespan". Seyed Mohammadi, Y (Translated). (vol,1). Tehran: arasbaran publishers. [Persian].

Cohen, O., Dekel, R. (2000). "Sense Of Coherence, Ways Of Coping, And Well Being Of Married And Divorced Mothers". *Contemporary Family Therapy*, 22(4): 467-486.

Dehghani nazar, M. (2011). The Role of mediating self-regulation in relationship developmental Capital with moral identity. M.A Thesis of educational of psychology, university of Tehran. [Persian].

Ghobari Bonab, B., Haddadi Koohsar, A. A. (2011). "Relation among quality of attachment, hostility and interpersonal sensitivity in college students". *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 30: 192– 196.

Ghobari Bonab, B., Haddadi Koohsar, A. A. (2011). "The relationship between mental health to mental's image of god and quality of attachment in criminal adolescence". *Thought an behavior*, 6(21): 7- 16. [Persian].

Hazan, C., Shaver, PH (1987). "Romantic love conceptualized as an attachment process". *Journal of personality and social psychology*, 52(3): 511-524.

Khanjani, Z (2009). "Intelligence and attachment: The analyze on Emotional/ behavioral regulation of gifted children, mental retarded and normal". *Journal of tabriz university*, 4(13): 79- 107. [Persian].

Khooshabi, K., Abu hamzeh, E. (2007). John Bowlby (Theory of attachment). Tehran, danjeh publisher. [Persian].

Kuuppelomaki, M., Utriainen, P. (2003). "A 3 year follow-up study of health care students' sense of coherence and related smoking, drinking and physical exercise factors". *International Journal of Nursing Studies*, 40: 383–388.

Lemos, M. S. (1999). "Students' goals and self-regulation in the classroom". *International Journal of Educational Research*, 31: 471-485.

Mikulincer, M., Shaver, P. R., Pereg, D. (2003). "Attachment Theory and Affect Regulation: The Dynamics, Development, and Cognitive Consequences of Attachment-Related Strategies". *Motivation and Emotion*, 27(2): 77-102.

Moayedfar H., Agha Mohammadian H. R., Tabatabaei S. M. (2007). "Relationship Attachment Styles and Social Self – Esteem". *Psychological Studies: Faculty of Education and Psychology, Al-Zahra University*, 3(1): 61 – 72. [Persian].

Nami, Y., Enayati, T., Ashouri, A. (2012). "The relationship between self-regulation approaches and learning approaches in English writing tasks on English foreign language Students". *Procedia -Social and Behavioral Sciences*, 47: 614– 618.

Pallant, J. F., lae, L. (2002). "Sense of coherence, well-being, coping and personality factors: further evaluation of the sense of coherence scale".

سازنده‌تری کنترل شرایط را در اختیار گیرند، چرا که معتقدند رویدادهای زندگی چالش‌های ارزشمندی هستند که منابع درونی و بیرونی دسترس‌پذیری برای مدیریت آنها وجود دارد. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، نمونه‌ی پژوهش است، این پژوهش با نمونه‌ای متشکل از دانش آموزان متوسطه‌ی دختر شهرستان کازرون به‌دست آمده‌است، که به‌نظر می‌رسد اگر نمونه‌ی مورد پژوهش متشکل از هر دو جنس زن و مرد در گروه‌های مختلف جامعه بود، احتمالاً نتایج متفاوتی به دست می‌آمد. علاوه براین، این پژوهش در دبیرستان‌های دولتی شهرستان کازرون انجام گرفته، از این‌رو نتایج آن قابل تعمیم به دبیرستان‌های دیگر همچون دبیرستان‌های غیرانتفاعی نخواهد بود. باتوجه به اهمیت هر یک از متغیرهای مورد پژوهش، پیشنهاد می‌شود تحقیقات بیشتری در زمینه‌ی شناسایی عوامل مؤثر و مرتبط با خودتنظیمی در ابعاد مختلف زندگی، احساس انسجام روانی و سبک‌های دلبستگی انجام شود.

تقدیر و تشکر

از تمامی عزیزانی که در این پژوهش صمیمانه ما را یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

منابع

Ainsworth, M. D. S., Blehar, M. C., Waters, E. & Wall, S. (1978). *Patterns of attachment: A Psychological study of the strange situation*. Hilldale, NJ: Erlbaum.

Antonovsky, A. (1993). "The structure and properties of the sense of coherence scale". *Sot. Sri. Med*, 36 (6): 125-733.

Aref nazari M., mazaheri M. A (2005). "Attachment styles and mating styles (Polygamy and monogamy)". *Journal of Family Research*, 1(4): 393-405. [Persian].

Arslan, E., Ari, R. (2010). "Analysis of ego identity process of adolescents in terms of attachment styles and gender". *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2: 744-750.

Bayrami, M., Heshmati, R., Mohammadpour, V., Gholamzadeh, M., Ostad Hasanloo, H., Moslemifar, M. (2012). "Happiness and willingness to communicate in three attachment styles: a study on



Personality and Individual Differences, 33: 39–48.

Ridder, D. D., Wit, J. D. (2006). Self-regulation in health behavior. John Wiley & Sons Inc.

Saaidianasl, M., Khanzadeh, M., Hasani, J., Edrisi, F. (2012). "Factor structure and psychometric properties of the Persian version of state adult attachment scale (saas)". Research in Psychological Health, 6(1): 66-78. [Persian].

Sabri narzadeh, R., Abdkhodaei, M. S., Tabibi, Z. (2012). "Study of causal relationship between sense of coherence, psychological hardiness, coping strategies and mental health". Research in Psychological Health, 6(1): 26-35. [Persian].

Sharifi, F. (2011). The Relationship between perception of students of Parenting Styles with Self-regulation Learning and religious Orientation on High Schools level in Kerman. M.A thesis of educational psychology, Ferdowsi University of Mashhad. [Persian].

Tavakolizadeh, J., Ebrahimi Qavam, S., Farrokhi, N. A., Golzari, M. (2011). "A study on the efficacy of teaching self-regulated learning strategies on mental health in boys studying in second grade of junior-high school in Mashhad". Journal of Fundamentals of Mental Health, 13(3): 250-259. [Persian].

Tucker, D., MacKenzie, D. M. (2012). "Attachment theory and change processes in foster care". Children and Youth Services Review, 34: 2208–2219.

Urakawa, K., Yokoyama, K. (2009). "Sense of Coherence (SOC) may Reduce the Effects of Occupational Stress on Mental Health Status among Japanese Factory Workers". Industrial Health, 47: 503–508.

Ying, Y., Lee, P. A., Tsai, J. L. (2007). "Attachment, sense of coherence, and mental health among Chinese American college students: Variation by migration status". International Journal of Intercultural Relations, 31: 531-544.

Zahedian, S. F., Mohammadi, M., Samani, S. (2011). "The role of attachment, parental bonding and in self-concept sexual addiction". Clinical Psychology, 3(3): 65-73. [Persian].